



مخفیگاه اعیان بوده شاید

ژوئیه گاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

تیرآهن و سنگ مرمریت و پنجره‌های آلومینیومی پایشان به آنجا باز نشده، بافت زیبا و منحصر به فرد آن را لکه‌دار نکرده بود! در طول مسیر سابات‌ها (۳) که خود بهترین محرک برای ارائه راهنما، ما را به پیش می‌کشند. به اولین گذر می‌رسیم:

"آتشکده" هارپاک". سمت چپ بنائی سه طبقه گلین، با پنجره‌های چوبی که بسیار آزادانه کنار هم ترکیب شده‌اند وجود دارد: در نمای اکثر خانه‌ها تکرار پنجره‌های چوبی با هواگیری در بالای آن به همگنی و خلوص مجموعه بافت می‌افزاید. در مسیر گاهی به کوچه‌های فرعی (شمالی - جنوبی) نظر می‌کنیم. پنجره غربی خانه‌ها با شبکه‌های فشرده تاثیر مستقیم اقلیم را در بنا نشان می‌دهد، کما اینکه ضلع شمالی بناها خالی از پنجره‌اند مگر آنها که در گذرند یا نور می‌گیرند، به همین ترتیب پنجره‌های جنوبی با قابلیت نورگیری زیاد و شرقی کمتر.

گر هم نوع گلینش است. به این ترتیب هر نوع حرکتی از پشت هر دو کوه و مسیرهای ارتباطی غربی بر نظر است، فقط از دشت شرقی امکان حمله بوده که آنجا نیز با دیوارهایی محصور شده است. از وسعت قلعه "پله همونه" (قلعه روبروی روستا) این طور بر می‌آید که روستائیان هنگام حمله یاغیان به قلعه می‌گریختند، دروازه غربی روستا که اینک تخریب شده، گواه این مدعا است.

از بقایای دروازه غربی وارد می‌شویم، در مسیر اصلی و به موازات بزررود همراه می‌افتیم. رودی که اولین آبگیر آن ایبانه است، - شاید هم "آببانه" (۲) - و سیراب کننده ۴۸۵ جریب از اراضی زراعی آنجاست: گندم، جو، شدر، سیب، هلو و... کشاورزی مهمترین و اصلی‌ترین کار برای ایبانه‌ای‌هاست. در زمانی نه چندان دور، گلیم - بافی و دامپروری، نقش موثری در اقتصاد این آبادی کوچک داشت، زمانی که هنوز

خاک سرخ نیروزا، مردمانی پرهیاهو می‌طلبید ولی این بار همه خاموش کنجی نشسته و به کار خود مشغولند. بین راه‌کاشان - نطنز (۱) جاده‌ای خاکی منشعب می‌شود و در انتهای راه به ایبانه می‌رسد. در آخرین پیچ جاده و در مسیر مستقیم به روستا. هیچ چشم‌اندازی از ایبانه دیده نمی‌شود. گوئی روستا مخصوصاً چنین جایی بنا شده تا حتی غریبه‌ای گم کرده راه وارد آن نشود!

در داخل، یافتن خانه‌ای خاص کار آسانی نیست، ورود به درهای باز کار مشکلی است، ارتفاع کم درها، بالا بودن پنجره‌های مشرف به کوچه‌ها، همه از این حکایت دارند که روستا زمانی محل تاخت و تاز یاغیان بوده است! رضا جوری‌ها و ما شاء الله خان‌های کاشی. کوه روبرو "موملون" محل قلعه‌ای در مقابل روستا است که از آنجا هر حرکتی دیده می‌شود. کوه پشتی یعنی درست در بالای آخرین ردیف خانه‌ها، قلعه‌ای سنگی نظاره -



دارند.
در ادامه مسیر از چند گذر اصلی دیگر عبور می‌کنیم تا به مسجد جامع می‌رسیم، یکی از قدیمی‌ترین بناهای روستا، با منبری چوبی به تاریخ ۴۶۶ ه. ق. "محراب مسجد که از چوب گردوی قهوه‌ای رنگ ساخته شده دارای کتیبه‌های قرآنی برجسته با نام بانسی آن مولانا عزیزالدین و تاریخ ساخت ۷۶۶ ه. است." (۵) هیچ دلیلی نیست بر اینکه مسجد جامع قبلا آتشکده بوده، محور آن دقیقاً "رو

به قبله است، حتی با مسیر اصلی زاویه‌ای می‌سازد که باعث انحراف مسیر شده است. از ایوان مسجد گنبد رک (۶) امامزاده - که در شرق روستا است - دیده می‌شود. انتخاب این مکان برای دو محل نیایش بی‌دلیل نبوده است، گویی این دو جا چون آهن‌رسانی انسان را به سوی خود می‌خوانند. در روستا مساجد دیگری وجود دارد، دو حسینیه با پنجره‌های مشبک زیبا دیده می‌شود. در آپاانه گونه‌های مسکن متنوع است، شاید به راحتی هشت گونه متفاوت قابل شناسایی باشد: شاه‌نشین - با ایوانی بزرگ - انواع مجتمع‌های مسکونی، خانه‌های دو اتاقی و... از نکات حالب و قابل توجه، نبودن توالت در خانه‌های قدیمی است، توالت‌های عمومی با مخزنی برای جمع فضولات، کود مورد نیاز کشاورزان را تأمین می‌کرده است.

با وجود چند آتشکده در روستا، اینطور بر می‌آید که مذهب قدیمشان، زرتشتی بوده و بعد شاید حوالی قرن ۷ و ۸ مسلمان شده‌اند. این که زرتشتیان کسی به این فکر افتاده‌اند که روستائی نوک کوه دور از دید بنا کنند بز ما معلوم نیست، ولی یقیناً فرهنگ غنی ایشان زاینده کوهستانیهای کرکس و بیابانهای اطراف نیست، این گروه به قصد مهاجرت با آگاهی کامل به موقعیت طبیعی، این مکان را برای زیست انتخاب کرده‌اند.

با انتخاب مسیر دیگری در اول راه به سمت جنوب یا برزروود می‌رویم. این بار گذری در میان نیست، به محله "پخانگه" می‌رسیم "مجتمع مسکونی پخانگه". البته این مجتمع گلین‌خانه‌ای بیش نیست، به ظاهر دو طبقه ولی در اصل، سه طبقه در قسمت غربی و در شرق آن دو طبقه. به کارگیری هنرمندان تمام امکانات منطقه در کنار هم در این خانه دیده می‌شود، پنجره‌ها، درها، جهت بنا، نور، مصالح، راه‌های ارتباطی و... از کنار نانوایی می‌گذریم، با عبور از برزروود به کنار قلعه بالا (پله همونه) صعود می‌کنیم. چشم - انداز زیبای روستا دیده می‌شود. روستائی که اینک با میانگین سنی ۴۵ به بالا می‌رود تا برای همیشه خاموش شود. نبودن هیچ انگیزه -

گروه اصلی خانه‌ها، بناهای چهار صفه‌ای (۴) بوده‌اند، با نورگیری در مرکز، ولسی اینک خیلی از آنها به نوع دو طبقه بدون نورگیر تغییر شکل یافته‌اند. یکی از علل این تغییر، حتماً "از دیاد جمعیت بوده چرا که روستائیان امکان گسترش بافت را نداشته‌اند: از شمال به صخره‌ها و کوه، از جنوب به دامنه جنوبی کوه - که مناسب برای ساختمان نیست - و از شرق و غرب به باغها و کشتزارها.



پس تنها راه همانا از دیاد طبقات بوده، محدودیت مصالح ساختمانی و مقاومت زمین، مانع این شده که امثال امپراتسیت در آپاانه ساخته شود! پوشش سقف‌ها تیرهای چوبی با تکیه‌گاههای جمال، زیر زمین‌های نیم طبقه، انباری یا محل نگهداری دام و طیور هستند، نیم طبقه‌هایی با نام اتاق تابستانی یا نور - گیری در کنار و بالا - که در تابستان و حتی زمستان هوای بسیار مطبوعی برای زیست



ای برای ماندن، همه را به شهرها می‌کشند مگر آنها که هنوز ریشه‌هایی استوار دارند و شمعشان در پس پستوی کوجه‌ها می‌سوزد.
برای نگهداری از این میراث فرهنگی، تنها شماره‌گذاری و ثبت در و پنجره کافی نیست. باید فکری اساسی کرد. در پشت تمام این منظره کوه کرکس چونان سپری استوار بظاهر مانع این نیستی است.

- ۱- ۶۴ کیلومتری گاشان - ۱۸ کیلو - متری نطنز - جاده‌ای به طول ۲۲ کیلومتر.
- ۲- بنگر به کتاب معماری اسلامی ایران در دوره ایلخانان، دونالد. ن. ویلبر - ترجمه عبدالله قریار.
- ۳- لغت در اصل عربی است، ساباط به معنای سققی است که بین دودیوار زنند. جمع آن ساباطات است. بنا به عادت با "ها" فارسی جمع بسته شد.
- ۴- صفه به معنی ایوان - اکثر خانه‌های گویری و حاشیه گویری تابع این گونه مسکن بوده‌اند. مساجد چهار ایوانی نیز در واقع هم تیپ این قبیل بناها است.
- ۵- بنگر به کتاب آثار باستانی شهرستان نطنز نوشته فیروزان قماش.
- ۶- گنبد رک به ضم را، و سکون ک از انواع گنبدهاست به شکل مخروط که معمولاً وجه آن به شکستگی‌های مساوی تقسیم شده.